

ظهور داعش و مسأله جنایت علیه بشریت: نگاهی تحلیلی بر حقوق،

سیاست و امنیت بین‌المللی

هادی صادقی‌اول^۱ و کریم زاهدیان‌نژاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

چکیده

گسترش موج اسلام‌گرایی در خاورمیانه و برآمدن جریان‌های رادیکال با کاربست خشونت، سیمای امنیتی و حقوقی منطقه را دگرگون کرد. در میان این جریان‌ها، داعش به‌عنوان نمونه‌ای بارز از «خشونت فرقه‌ای» با تکیه بر ایدئولوژی تکفیری، کنش‌هایی را سامان داد که دامنه آن از کشتارها و پاکسازی‌های هدفمند تا برده‌داری جنسی و تخریب میراث فرهنگی کشیده شد. این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای، نخست زمینه‌های فکری و ایدئولوژیک تکفیر و نحوه تکوین داعش در عراق و سوریه را بازشناسی می‌کند؛ سپس با اتکا به اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی، اعمال این گروه را در چارچوب سه عنوان کیفری «نسل‌کشی» (ماده ۶)، «جنایت علیه بشریت» (ماده ۷) و «جنایت جنگی» (ماده ۸) می‌سنجد و نشان می‌دهد قرائن معناداری برای احراز قصد خاص نسبت به برخی گروه‌های دینی-قومیتی (به‌ویژه ایزدی‌ها) وجود دارد؛ الزامات «گسترده‌گی/سازمان‌یافتگی» برای جنایت علیه بشریت احرازپذیر است؛ و طیف وسیعی از مصادیق ماده ۸ در بستر مخاصمه‌های مسلحانه غیربین‌المللی محقق شده‌اند. در عین حال، به دلیل ماهیت غیردولتی داعش، شمول «جنایت تجاوز» (مکرر) موضوعاً منتفی ارزیابی می‌شود. نتیجه پژوهش، ضمن تبیین نسبت اندیشه تکفیری و خشونت فرقه‌ای، بر چالش‌های اثباتی، از جمله احراز سوءنیت خاص در نسل‌کشی و پیامدهای سیاست‌گذاری کیفری و عدالت‌گذارانه در سطح منطقه‌ای تأکید می‌کند.

کلید واژه‌ها: داعش، خشونت فرقه‌ای، نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی، عراق، سوریه.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش هفتم، ۲۰۱۹؛ شیوه APSA)

صادقی‌اول، هادی؛ زاهدیان‌نژاد، کریم (پاییز ۱۴۰۴). «ظهور داعش و مسأله جنایت علیه بشریت: نگاهی تحلیلی بر حقوق، سیاست و امنیت بین‌المللی». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال هشتم، شماره ۳، پیاپی ۳۱، صص ۶۸-۴۷.

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. ایمیل: hadi.sadeghi.aval@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

ایمیل: karim.zahedianezhad@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رگیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

رشد سریع جریان‌های اسلام‌گرای رادیکال طی دهه‌های اخیر، به‌ویژه در بستر بحران‌های سیاسی و اجتماعی خاورمیانه، چالش‌های متعددی را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی پدید آورده است. در میان این جریان‌ها، داعش به‌منزله نمونه کامل خشونت فرقه‌ای، از دل شرایط خاص عراق پس از سقوط صدام و بحران سوریه برآمد. این گروه با تکیه بر ایدئولوژی تکفیری، مرز میان اهداف نظامی و غیرنظامی را نادیده گرفت و دست به ارتکاب کشتار، کوچ اجباری، برده‌داری جنسی و تخریب میراث فرهنگی زد.

از سوی دیگر، حقوق بین‌الملل کیفری پس از تصویب اساسنامه رم (۱۹۹۸)، چارچوب مفهومی و هنجاری روشنی برای تعریف و تعقیب جنایات بین‌المللی فراهم کرده است. بررسی اعمال داعش در پرتو این چارچوب می‌تواند هم در فهم نسبت ایدئولوژی تکفیر و خشونت، و هم در تعقیب و محاکمه عاملان مؤثر باشد. به‌عبارتی دیگر، گسترش موج اسلام‌گرایی و ظهور گروه‌های سیاسی اسلامی یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه خاورمیانه طی سال‌های اخیر بوده است. یک از ویژگی‌های اصلی و عمده جنبش‌های اسلامی معاصر به‌کارگیری خشونت است. بکارگیری خشونت در جنبش‌های اسلامی از آغاز تا کنون به شکل زیر طبقه‌بندی شده است (احمدی، حمید، بی‌تا: ۱۵)

- خشونت واکنشی (دهه ۱۹۵۰-۱۳۹۰)
- خشونت ایدئولوژیک (دهه ۱۹۸۰-۱۹۶۰)
- خشونت فرقه‌ای (دهه‌های ۱۹۹۰ به بعد)

از منظری دیگر، اسلام‌گرایی سیاسی در دهه‌های اخیر یکی از کانون‌های تحول در خاورمیانه بوده و به‌ویژه در گونه‌های رادیکال خود با کاربست خشونت شناخته می‌شود. ادبیات موجود سه مرحله از الگوهای خشونت جنبش‌های اسلامی را از «واکنشی» تا «ایدئولوژیک» و سرانجام «فرقه‌ای» صورت‌بندی می‌کند. داعش به‌منزله نمونه تام خشونت فرقه‌ای، از دل شکاف‌های پس‌اسقوط رژیم صدام، قطبی‌شدن مذهبی، شبکه‌های سلفی-تکفیری و فرصت‌های امنیتی ناشی از خلأ حاکمیتی در عراق و بحران سوریه سر برآورد. این جریان با تکیه بر خوانشی سخت‌گیرانه از شریعت و بر ساخت «دیگری کافر/مشرک»، مرز میان اهداف نظامی و غیرنظامی را عملاً درنوردید و بی‌محابا به کشتار، کوچ اجباری، برده‌گیری جنسی و تخریب اماکن مقدس و میراث فرهنگی دست زد.

از سوی دیگر، حقوق بین‌الملل کیفری پس از تصویب اساسنامه رم، ابزار مفهومی و هنجاری قدرتمندی برای توصیف و تعقیب چنین کنش‌هایی فراهم آورده است. با این وجود، تمایزگذاری دقیق میان عناوین سه‌گانه (نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی)، احراز عناصر ذهنی و مادی خاص هر یک، و تبیین نسبت آنها با ایدئولوژی تکفیر، هم‌چنان نیازمند واکاوی روشمند است.

این مقاله تلاش می‌کند ضمن ترسیم بسترهای فکری و تاریخی پدیدار داعش، چارچوبی نظام‌مند برای انطباق اعمال آن با جرایم مشمول صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی ارائه کند و حدود امکان اثبات هر عنوان کیفری را روشن سازد.

هم‌چنین، در این مقاله جنبش (گروه) رادیکال داعش که دارای مشی خشونت از نوع سوم همراه با اقدامات تروریستی و تکفیری بوده است به اختصار مورد بررسی قرار گرفته است. خشونت فرقه‌ای که از تعصب شدید عقیدتی به یک آیین یا مجموعه عقاید خاص در برابر سایر عقاید ناشی می‌شود، اگر چه با هدف سرنگونی رژیم حاکم یا دولت‌های دشمن صورت می‌گیرد، اما در آن لزوماً عوامل دولتی هدف حملات خشونت بار گروه‌های اسلام‌گرا قرار نمی‌گیرند. این نوع از خشونت نه تنها تفاوتی میان اهداف دولتی و غیردولتی قائل نمی‌شوند، بلکه در بکارگیری میزان خشونت علیه اهداف مورد نظر خود نیز محدودیتی قائل نیستند.

پس از فروپاشی رژیم عراق و سرنگونی صدام حسین و قدرت‌یابی شیعیان در عراق، کشورهای محافظه کار عرب منطقه بیش از پیش در زمینه گسترش ایده شیعی و انقلابی ایران نگران شدند و اقدام به دخالت در عراق برای تضعیف دولت شیعی عراق از طریق حمایت از جنبش‌ها و جریان‌های سلفی-تکفیری مستقر در عراق با حمایت و همراهی آمریکا و رژیم سهیونیستی نمودند که در نتیجه موجب شکل‌گیری و تقویت داعش گردید که در ادامه نحوه شکل‌گیری این گروه به همراه توضیح برخی از مفاهیم کاربردی پرداخته می‌شود.

۲. طرح مسأله و چارچوب مفهومی

۲-۱. طرح مسأله

نظریه‌ی تکفیر، که مبتنی بر برچسب‌گذاری گروه‌ها یا افراد مسلمان دیگر به عنوان «کافر» است، در ادبیات سلفی-تکفیری نقش کلیدی داشت (سبحانی، ۱۳۸۵؛ یزدی، ۱۳۸۷). پس از فروپاشی رژیم صدام حسین، جریان‌های سلفی-تکفیری مورد حمایت برخی کشورهای منطقه و قدرت‌های خارجی قرار گرفتند که منجر به شکل‌گیری گروه‌هایی مانند «جماعت توحید و جهاد» و «دولت اسلامی عراق» شد (طباطبایی و افراخته، ۱۳۹۰). این روند نهایتاً در سال ۲۰۱۳ به اعلام تشکیل «داعش» منجر شد؛ گروهی که ایدئولوژی آن بر مبنای موازینی چون «برتری مطلق وحی بر عقل» و «تفکیک کامل میان کافر و مؤمن» شکل گرفته بود (شوکانی، ۱۴۳۱؛ نصری، ۱۳۹۳).

هم‌چنین، با وجود انبوه گزارش‌ها درباره خشونت‌های داعش، هنوز چالش‌های مفهومی و اثباتی مهمی در نسبت‌سنجی این اعمال با عناوین سه‌گانه جرایم بین‌المللی وجود دارد. مسأله اصلی این پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود:

۱) تا چه حد می‌توان اعمال داعش را ذیل «نسل‌کشی» با تأکید بر عنصر «قصد خاص نابودی کلی یا جزئی گروه‌های ملی/قومی/نژادی/دینی» احراز کرد و قرائن کافی برای اثبات این قصد نسبت به گروه‌هایی مانند ایزدی‌ها چیست؟

۲) در «جنایت علیه بشریت» چگونه می‌توان «گسترده‌گی یا سازمان‌یافتگی حمله علیه جمعیت غیرنظامی» و «علم مرتکب» را احراز نمود و پیوند آن را با سیاست اعلامی/عملی سازمان نشان داد؟

۳) در «جنایت جنگی» کدام مصادیق ماده ۸ در بستر مخاصمه‌های مسلحانه غیربین‌المللی عراق و سوریه قابل انطباق است (از قتل، شکنجه و کوچ اجباری تا تخریب اهداف فرهنگی و استفاده از ابزارهای ممنوعه)؟

۴) چرا «جنایت تجاوز» نسبت به داعش به دلیل عنصر دولتی در تعریف ۸ مکرر، موضوعاً قابل انتساب نیست؟

۵) نقش ایدئولوژی تکفیر در گذار از خشونت ایدئولوژیک به خشونت فرقه‌ای و تسهیل ارتکاب جرایم بین‌المللی چگونه تبیین می‌شود؟

بر این مبنا، فرض‌های راهنما عبارت‌اند از: الف) قرائن رفتاری و اعلامی داعش امکان احراز قصد خاص نسبت به برخی گروه‌های دینی را تقویت می‌کند؛ ب) شرط «گسترده‌گی/سازمان‌یافتگی» در اعمال علیه غیرنظامیان محقق است؛ ج) انبوهی از افعال داعش با مصادیق ماده ۸ در مخاصمه‌های غیربین‌المللی منطبق است؛ د) عنصر دولتی لازم برای «تجاوز» فراهم نیست. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر اسناد و ادبیات موجود است.

۲-۲. مفهوم تکفیر

واژه‌ی «تکفیر» از ریشه‌ی «کفر» گرفته شده است و برای درک معنای آن باید ابتدا مفهوم «کفر» را بررسی کرد. «کفر» در زبان عربی از ریشه‌ی «ستر» به معنای پوشاندن و پنهان کردن آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۳۱). در همین معنا، کشاورز را نیز «کافر» می‌نامند، زیرا بذر را در خاک می‌پوشاند: «كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ» (حدید: ۵۷). در اصطلاح دینی، کفر به معنای «عدم ایمان به امری است که شأن آن ایمان آوردن است»، مانند انکار خداوند، توحید، نبوت یا معاد (سبحانی، ۱۳۸۵: ۴۹).

زمانی که واژه‌ی «کفر» بدون قرینه به کار می‌رود، در معنای فقهی آن - یعنی خروج از اسلام و ارتداد - استعمال می‌شود. در این معنا، کفر شامل احکام خاصی هم‌چون نجاست، حرمت ازدواج با مسلمانان و موارد مشابه است و به صورت دقیق‌تر به معنای «انکار الوهیت، توحید، رسالت یا یکی از

ضروریات دین، در حالی که شخص از ضروری بودن آن آگاه است» تعریف می‌شود (یزدی، ۱۳۸۷: ۴۸).

«تکفیر» در اصطلاح به معنای نسبت دادن کفر به فرد یا گروهی دیگر است. قرآن کریم نیز نمونه‌های متعددی از این مفهوم را بیان کرده است؛ برای مثال، کسانی که حضرت مسیح را خدا دانسته‌اند (مائده: ۱۷، ۷۲، ۷۳) یا کسانی که سحر و جادو را به مردم می‌آموختند (بقره: ۱۰۲).

از نظر صرفی، «تکفیر» مصدر باب تفعیل از ریشه‌ی «کفر» است. ابن منظور در لسان العرب، معنای اصلی «کفر» را «پوشاندن» می‌داند و معتقد است که انسان کافر به این دلیل چنین نامیده می‌شود که «کفر» قلب او را فرا گرفته و حقیقت را می‌پوشاند. وی همچنین توضیح می‌دهد که اگر شخصی به برادر مسلمان خود بگوید «ای کافر»، در صورتی که سخن او نادرست باشد، کفر به خود او باز می‌گردد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴۶). علاوه بر این، «تکفیر» به معنای دیگری هم‌چون پوشاندن دشمن با سلاح، پنهان کردن گناهان از طریق کفاره، یا خم شدن از سر تعظیم نیز آمده است. زبیدی نیز در آثار خود تکفیر را هم به معنای پوشاندن گناه و هم به معنای نسبت دادن کفر به دیگری تعریف کرده است (زبیدی، بی‌تا: ۶۰).

نکته‌ی قابل توجه آن است که تکفیرکنندگان در واقع طرف مقابل را علی‌رغم ظاهر اسلامی‌اش کافر نمی‌دانند، بلکه معتقدند که او به دلایلی خاص، معیارهای ایمان را از دست داده و از اسلام خارج شده است. اگرچه این فرایند در ظاهر با استناد به متون دینی توجیه می‌شود، اما از نظر مبنایی، اغلب فاقد پشتوانه‌ی معتبر و صحیح است.

ماهیت دینی و ایدئولوژیک تکفیر به‌گونه‌ای در هم تنیده‌اند که تفکیک آن دو از یکدیگر دشوار است. بسیاری از جریان‌های سیاسی و فکری برای کسب مشروعیت، ناگزیر به بهره‌گیری از زبان دین در مسئله‌ی تکفیر شده‌اند. یکی از مهم‌ترین ابزارها برای مشروعیت‌بخشی به این گفتمان، استناد به احادیث نبوی، به‌ویژه «حدیث ناجیه» است. این حدیث که به صورت‌های مختلف نقل شده، چنین می‌گوید: «امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم خواهند شد که همه‌ی آن‌ها - جز یکی - اهل جهنم هستند و آن یکی همان است که بر طریقت من و اصحابم باشد» (سنن ابی‌داود، ۱۴۱۰: ۵۰۴).

مورخان و متکلمان مسلمان کوشیده‌اند تا این هفتاد و سه فرقه را شناسایی و دسته‌بندی کنند و در بسیاری از موارد، مذهب خود را «فرقه‌ی ناجیه» و سایر مذاهب را منحرف، بدعت‌گذار یا حتی کافر معرفی کرده‌اند (شهرستانی، ۱۴۰۴: ۳). از این‌رو، مفهوم «صراط مستقیم» به ابزاری برای نفی مشروعیت دیگر فرق تبدیل شد و هر گروهی با تکیه بر برداشت خود از حدیث، سایر فرقه‌ها را طرد کرد (شوکانی، ۱۴۳۱: ۲۷؛ ابن حنبل، بی‌تا: ۱۰۲).

بسیاری از متکلمان اهل سنت، به‌ویژه سلفیان، مخالفان خود - مانند معتزله - را با عناوینی چون «اهل هوا»، «معتله» یا حتی «مجوسی امت» خطاب کرده و شیعیان را «رافضی» نامیده‌اند (شوکانی، ۱۴۳۱: ۲۰). در مقابل، معتزله نیز خود را «اصحاب العدل و التوحید» (ایجی، ۱۴۱۷: ۴۱۵) معرفی کرده‌اند. این نوع نام‌گذاری‌ها، چه از سوی اهل سنت و چه معتزله، نه‌تنها بار ارزشی دارد بلکه ابزار دفاع از حق در برابر باطل و اجتهاد در برابر سنت به‌شمار می‌رود (اسفراینی، ۱۳۷۵: ۱۸۵).

۳. زمینه‌های ایدئولوژیک و تاریخی داعش

در دهه‌های اخیر، منطقه خاورمیانه شاهد ظهور و فعالیت گروه‌های متعددی از جریان‌های تروریستی تکفیری بوده است که در میان آن‌ها، گروه «دولت اسلامی» مشهور به داعش، از حیث خشونت، ایدئولوژی و گستره‌ی عملکرد، جایگاه ویژه‌ای دارد. پس از سقوط رژیم طالبان در افغانستان، تشکیلات القاعده - که بنیان‌گذاری آن به سال ۱۳۶۷ هجری شمسی به ابتکار اسامه بن لادن بازمی‌گردد - فعالیت خود را در نقاط مختلف جهان اسلام، از جمله عراق، گسترش داد. در این چارچوب، «ابومصعب زرقاوی» در سال ۲۰۰۴ میلادی با تأسیس گروه «جماعت توحید و جهاد»، به‌عنوان نماینده القاعده در عراق معرفی شد (طباطبایی و افراخته، ۱۳۹۰: ۴۳۷).

در ادامه، در سال ۲۰۰۶ گروهی با عنوان «دولت اسلامی عراق» تحت رهبری «ابوعمر بغدادی» اعلام موجودیت کرد. با کشته‌شدن وی در سال ۲۰۱۰ طی عملیات نیروهای آمریکایی، رهبری گروه به «ابوبکر بغدادی» منتقل شد؛ شخصیتی که بعدها بنیان‌گذار رسمی «دولت اسلامی عراق و شام» (داعش) گردید. ابراهیم عواد ابراهیم البدری، معروف به ابوبکر بغدادی، متولد ۱۹۷۱ در سامرا و دانش‌آموخته دانشگاه اسلامی بغداد است. وی که سابقه فعالیت‌های تبلیغی در مساجد را داشت، به‌تدریج به یکی از نظریه‌پردازان جریان سلفی جهادی تبدیل شد و با تأسیس تشکیلاتی مسلحانه تحت عنوان «ارتش اهل سنت و جماعت» علیه دولت شیعی عراق فعالیت کرد.

در پی بازداشت و چهار سال حبس در اردوگاه بوکا توسط نیروهای آمریکایی و آزادی پس از خروج آمریکا از عراق، بغدادی بار دیگر فعالیت خود را از سر گرفت. توانایی‌های شخصی وی از جمله مهارت‌های نظامی و قدرت سخنوری موجب شد تا گروه‌های مخالف دولت عراق - شامل بعثی‌ها، سلفی‌ها و قبایل سنی - از وی حمایت کنند. در نتیجه، «دولت اسلامی عراق» در مدت کوتاهی توانست سازمان‌دهی گسترده‌ای انجام دهد. ایالات متحده در اکتبر ۲۰۱۱، بغدادی را به‌طور رسمی «تروریست بین‌المللی» اعلام و جایزه‌ای ۱۰ میلیون دلاری برای دستگیری یا قتل او تعیین کرد.

با آغاز بحران داخلی سوریه، بغدادی با شعار «حمایت از اهل سنت سوریه» وارد منازعه شد و در آوریل ۲۰۱۳ با اعلام ادغام «جبهه‌النصره» و «دولت اسلامی عراق»، تشکل جدید «داعش» را پایه‌گذاری کرد. این اقدام توسعه‌طلبانه با مخالفت رهبران جبهه‌النصره، از جمله ابومحمد جولانی،

مواجه شد. در پی تشدید اختلافات، بغدادی به عراق بازگشت و عملیات گسترده‌ای را در استان‌های نینوا، الانبار و صلاح‌الدین آغاز کرد. ضعف دولت مرکزی در پاسخ‌گویی به مطالبات مناطق سنی‌نشین، زمینه‌ساز رشد سریع داعش شد و این گروه با استفاده از نارضایتی اجتماعی و جذب نیروهای محلی، توان نظامی خود را افزایش داد. در نتیجه، از ابتدای سال ۲۰۱۴ میلادی، بخش‌های وسیعی از عراق، از جمله شهر استراتژیک موصل، به کنترل داعش درآمد و تسلط بر تسلیحات ارتش عراق، ظرفیت تروریستی گروه را به‌طور قابل‌توجهی افزایش داد.

داعش پس از تثبیت موقعیت خود، در ژوئیه ۲۰۱۴ (تیر ۱۳۹۳) با حذف واژه «شام» و بازگشت به عنوان «دولت اسلامی»، تشکیل خلافت اسلامی را اعلام کرد. در نخستین نماز جمعه پس از این اعلام، بغدادی در مسجد جامع موصل ظاهر شد و خود را «خلیفه مسلمانان» معرفی کرد. وی در سخنان خود با رد توافق‌نامه سایکس - پیکو و مرزهای موجود کشورهای اسلامی، اعلام نمود که برای تحقق خلافت اسلامی از «شمشیر» استفاده خواهد کرد.

از منظر ایدئولوژیک، اندیشه‌های داعش برگرفته از مبانی سلفی-جهادی القاعده است، اما این گروه رویکردی به‌مراتب رادیکال‌تر اتخاذ کرده است. سلفیه که خود را پیرو «سلف صالح» می‌داند، با تأکید بر برتری وحی بر عقل، هرگونه اجتهاد جدید را بدعت دانسته و نقش اجتماعی زنان را به شدت محدود می‌کند (پاکتچی، ۱۳۷۳: ۷۱۱؛ خامنه‌ای، ۱۳۷۰). این جریان فکری، متأثر از آموزه‌های خوارج، حنابله و وهابیت، با گرایش‌های عقل‌گرایانه مخالفت کرده و شیعه را «مشرک» و «دشمن خلافت» معرفی می‌کند.

طالبان، القاعده و داعش را می‌توان سه تجلی عملی این تفکر دانست که هدف مشترک آن‌ها بازگشت به «عصر طلایی اسلام» از طریق خشونت مسلحانه است. این گروه‌ها با تکفیر دیگر جریان‌های اسلامی، به‌ویژه شیعیان، اقدامات خشونت‌آمیز و ضدانسانی گسترده‌ای مرتکب شده‌اند.

در حالی که طالبان عمدتاً در قلمرو افغانستان متمرکز بوده و القاعده تمرکز خود را بر عملیات برون‌مرزی قرار داده است، داعش هدف نهایی خود را در نابودی همه مخالفان - اعم از شیعیان و حکومت‌های سکولار - برای برپایی حکومت اسلامی می‌داند.

بر مبنای ایدئولوژی تکفیری داعش، «جهاد» مترادف با اقدامات تروریستی است و تنها راه اجرای احکام الهی، بازگشت به سنت صدر اسلام و سیره «سلف صالح» از طریق اعمال خشونت است. از نگاه این گروه، هرگونه اجتهاد، شفاعت یا تلاش برای تقویت مفهوم شهروندی، انحراف از «خداسالاری» تلقی می‌شود و اجرای حدود الهی در ملأعام تنها راه پایان‌دادن به «گناهان» معرفی می‌شود (نصری، ۱۳۹۳: ۲).

۴. جنایات گروه‌های تروریستی تکفیری (داعش) در عراق و سوریه

مطابق ماده ۷ اساسنامه رم، «جنایت علیه بشریت» به مجموعه‌ای از اعمال عمده و سازمان‌یافته اطلاق می‌شود که در چارچوب یک سیاست کلی یا در سطحی گسترده علیه جمعیت غیرنظامی ارتکاب یافته باشند. این اعمال شامل قتل، نابودسازی، به‌بردگی گرفتن، اخراج یا انتقال اجباری جمعیت، شکنجه، خشونت جنسی، آزار و اذیت بر مبنای سیاسی، نژادی، قومی یا فرهنگی، ناپدیدسازی قهری اشخاص، تبعیض نژادی و سایر اعمال غیرانسانی مغایر با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشر است. اسناد بین‌المللی مهمی هم‌چون «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» و «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» نیز مبنای هنجاری این مفهوم را شکل می‌دهند.

با توجه به این چارچوب، رفتارهای گروه داعش چه در قالب یک سازمان غیردولتی و چه در مقام یک قدرت حاکمیتی امر واقع، واجد تمامی عناصر لازم برای تحقق جنایت علیه بشریت است. این گروه در قلمروهایی که به‌صورت قهری بر آن‌ها سیطره یافته و بر جمعیت غیرنظامی حکومت کرده است، به‌طور سازمان‌یافته و در مواردی در مقیاسی گسترده، مرتکب قتل عمد، نابودسازی، به‌بردگی گرفتن، انتقال اجباری افراد، تجاوز جنسی، سایر اشکال خشونت جنسی شدید و آزار گروه‌ها بر مبنای مذهب، قومیت یا عقاید آنان شده است.

از این منظر، شرایط عام و خاص مقرر در ماده ۷ اساسنامه دیوان به‌سادگی بر اقدامات داعش قابل انطباق است. نکته حائز اهمیت آن است که شرط «گسترده‌گی» یا «سازمان‌یافتگی» نه در خصوص فعل فردی متهم، بلکه در رابطه با مجموعه اعمال گروه مورد نظر است. بنابراین، برای انتساب مسئولیت کیفری به یک فرد خاص، کافی است اثبات شود که رفتار او بخشی از یک سیاست کلی یا حمله سازمان‌یافته و گسترده علیه غیرنظامیان بوده و مرتکب از وجود چنین سیاستی یا تهاجمی آگاه بوده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷: ۱۰۶).

در پرتو این معیارها، بسیاری از اقدامات خشن و جنایات سازمان‌یافته داعش می‌تواند در چارچوب جنایت علیه بشریت تحلیل و تعقیب شود. در ادامه، نمونه‌هایی از این رفتارها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۱. نسل‌کشی

ماده ۶ اساسنامه رم و ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌کشی^۱ مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸، تعریف و معیارهای حقوقی نسل‌کشی را مشخص کرده‌اند. مطابق ماده ۶ اساسنامه رم،

¹. The Crime of Genocide

نسل‌کشی شامل اعمالی نظیر قتل، انتقال اجباری افراد و سایر اقدامات با «قصد نابودی» یک گروه ملی، دینی، قومی یا نژادی است. در این چارچوب، گزارش‌های متعددی از اقدامات داعش – شامل اعدام مردان ایزدی، تجاوز و برده‌داری زنان و ربودن کودکان برای تغییر دین آنان – ارائه شده که به‌عنوان قرائن معتبر برای احراز «قصد خاص» تلقی می‌شوند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

نسل‌کشی می‌تواند توسط رهبران یک دولت یا هر فرد دیگری، چه در شرایط جنگ یا صلح و چه در درگیری‌های مسلحانه داخلی یا بین‌المللی، انجام شود؛ به شرطی که هدف آن نابود کردن تمام یا بخشی از یک گروه مشخص باشد. عنصر روانی و قصد نابودی، شاخصه اصلی این جرم است، زیرا در غیاب این قصد، اعمال یادشده ممکن است صرفاً به‌عنوان جنایت علیه بشریت یا جنایات جنگی شناسایی شود و یا تنها جرم عادی تلقی گردد. در پرونده «اکایو» در دیوان کیفری بین‌المللی رواندا، چهار گروه قومی، ملی، مذهبی و نژادی به‌عنوان معیار شناسایی نسل‌کشی مورد پذیرش قرار گرفتند.

ماده ۶ اساسنامه رم تصریح می‌کند: «نسل‌کشی شامل هر یک از اعمال ارتكابی است که با هدف نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی صورت گیرد؛ از جمله قتل اعضای گروه و...» همان‌طور که مشاهده می‌شود، سو نیت خاص عامل تعیین‌کننده برای احراز این جرم است. دلیل تمرکز بر چهار گروه فوق، ثبات و عضویت غیراختیاری افراد در آن‌ها است؛ یعنی عضویت در این گروه‌ها انتخابی نیست و افراد به‌صورت طبیعی یا به‌ناچار در آن جای گرفته‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴: ۳۵).

با توجه به مستندات متعدد، وقوع نسل‌کشی توسط داعش قابل اثبات است. کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل نیز اعلام کرده است که داعش مظنون به ارتکاب نسل‌کشی علیه ایزدی‌هاست. این ارزیابی توسط لوئیس اوکامپو،^۱ دادستان سابق دیوان، نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در جلسات رسمی با حضور فاتو بن سودا،^۲ دادستان فعلی دیوان کیفری بین‌المللی، نمایندگان ایزدی‌ها^۳ گزارشی شامل اعدام بیش از ۷۰۰ مرد ایزدی، قتل سالمندان و بیماران، تجاوز و برده‌داری هزاران زن و ربودن کودکان جهت آموزش نظامی و تغییر دین ارائه کردند. داعش به‌صراحت اعلام کرده که قصد نابودی دین ایزدی که آن را «کفر» می‌خواند را دارد، با این استدلال که این آیین‌ها ریشه‌های خود را بیشتر در باورهای پیشااسلامی ایرانیان دارند تا متون یهودی، مسیحی یا اسلامی.

بررسی اقدامات داعش با معیارهای ماده ۶ اساسنامه رم، نشان می‌دهد که اعمال این گروه با مفهوم «نسل‌زدایی» در حقوق بین‌الملل کیفری هم‌خوانی دارد. این تطبیق به‌ویژه در مورد اقداماتی

^۱. Luis Moreno Ocampo

^۲. Fatou Bensouda

^۳. نام این گروه به هر دو صورت یزیدی و ایزدی به کار می‌رود، البته در منابع غیرفارسی نام یزیدی رایجتر است.

که با «قصد نابودی کلی یا جزئی» یک گروه ملی، مذهبی، قومی یا نژادی انجام شده، از جنبه حقوقی اهمیت ویژه دارد.

برخی پژوهشگران بر این باورند که اگرچه اقدامات داعش نظیر قتل اعضای گروه‌های هدف، واردآوردن صدمات شدید جسمی و روانی و انتقال اجباری کودکان به گروه‌های دیگر با عنصر مادی جرم نسل‌کشی منطبق است، اما احراز عنصر ذهنی این جرم، یعنی «قصد خاص نابودی»، امری بسیار دشوار است (Waltman, 2014: 9-10; Schaack & Ronald, 2012: 516). از آنجا که نسل‌کشی به‌عنوان شدیدترین جرم بین‌المللی شناخته می‌شود، مراجع قضایی نیز تفسیر مضیق از مفهوم آن را در پیش گرفته‌اند. بر همین مبنا، برخی از نویسندگان، اتهام نسل‌زدایی علیه داعش را فاقد پشتوانه دانسته‌اند و استدلال می‌کنند که گروه‌های قومی و ملی تحت سیطره این گروه در مناطق اشغالی، تمایز روشنی از یکدیگر ندارند و اقدامات داعش فاقد گستره لازم برای تطبیق با تعریف نسل‌کشی بر مبنای نژادی یا ملی است.

با این حال، دیدگاه مقابل تأکید دارد که تحقق عنصر مادی جرم نسل‌کشی به‌خودی‌خود می‌تواند مبنایی معقول برای آغاز تعقیب قضایی فراهم سازد و برخلاف جرایم علیه بشریت، تحقق گستردگی در این جرم شرط اساسی نیست.^۱ بنابراین، حتی کشتار شمار محدودی از اعضای یک گروه با قصد نابودی کلی یا جزئی آن می‌تواند مصداق نسل‌کشی تلقی شود. البته اثبات «قصد خاص» نیازمند تحلیل دقیق شواهد و قرائن است؛ از جمله ایدئولوژی، بیانیه‌های سیاسی یا مواضع عقیدتی مرتکبان (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

رویه قضایی نیز در این زمینه قابل توجه است. دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده دارفور، احراز قصد خاص نسل‌کشی را صرفاً در مرحله صدور حکم محکومیت و بر مبنای معیار «فقدان شک معقول»^۲ ضروری دانسته است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۴). با این وجود، در مرحله تحقیقات مقدماتی، پیشینه ایدئولوژیک داعش در دشمنی با گروه‌های مذهبی خاص می‌تواند به‌عنوان «قرائن اساسی»^۳ برای اثبات قصد نابودی مورد استناد دادستان قرار گیرد. افزون بر این، دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا، گروه مذهبی را مجموعه‌ای از افراد با آیین عبادی یا مذهب مشترک و گروه قومی را گروهی با زبان و فرهنگ مشترک تعریف کرده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷: ۳۵).

بر این اساس، با توجه به شواهد مربوط به اقدامات داعش علیه گروه‌های قومی و مذهبی هم‌چون ایزدی‌ها، ترکمن‌ها، مسیحیان، شیعیان و حتی اهل سنت مخالف ایدئولوژی این گروه، و با در نظر گرفتن اعمالی چون قتل اعضای این گروه‌ها و انتقال اجباری کودکان، می‌توان نتیجه گرفت

¹. Cassese, Antonio, *International Criminal Law*.

². *Beyond reasonable doubt*

³. *Substantial grounds*

که احراز «قصد خاص نابودی» کلی یا جزئی این گروه‌ها، دست‌کم در قلمروهای تحت کنترل داعش، از منظر حقوق بین‌الملل کیفری قابل تصور و محتمل است.

۴-۲. جنایت علیه بشریت

جنایت علیه بشریت نیازمند «حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی» است. داعش در سطحی گسترده و با طراحی مشخص، اعمالی مانند برده‌داری، شکنجه، قتل عمد، تخریب اماکن مذهبی، کوچ اجباری و آزارهای جنسی را سازماندهی کرده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷). این اعمال دقیقاً در چارچوب ماده ۷ قرار می‌گیرند. این جنایت نیز ممکن است در هر زمان چه در زمان جنگ یا صلح و چه در اثنای مخاصمات مسلحانه‌ی بین‌المللی یا داخلی به مباشرت یا به تسبیب ارتکاب یابد. این جرم در چارچوب یک حمله‌ی گسترده یا سازمان‌یافته علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب می‌یابد و باید در راستای اجرا یا تعقیب سیاست یک دولت یا یک سازمان که چنین هدفی دارد انجام گیرد. تحقق این جرم مشروط بر آن است که فاعل به چنین حمله‌ای علم داشته باشد و افعال به طور مکرر ارتکاب یافته باشند.

مطابق ماده ۷ اساسنامه رم، جنایت‌های علیه بشریت شامل هر یک از اعمالی است که به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی و با آگاهی از ماهیت آن حمله، انجام شود. در این نوع جنایات، عنصر مادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا اعمال باید گسترده - یعنی شامل قربانیان متعدد - و یا سازمان‌یافته - مبتنی بر برنامه‌ریزی و طراحی قبلی - باشند و هماهنگی با سیاست یا رویه‌ای مشخص داشته باشند. برخلاف جنایت نسل‌کشی که عنصر روانی و قصد نابودی گروه هدف محور است، در جنایات علیه بشریت، گستردگی و سازمان‌یافتگی اعمال، شاخص اصلی محسوب می‌شوند. هنگام تدوین اساسنامه، بین کشورهای عضو درباره تمرکز بر گستردگی یا سازمان‌یافتگی اختلاف وجود داشت و در نهایت، تأکید بر گستردگی اعمال تصویب شد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷: ۳۵).

در زمینه اقدامات داعش، برخی از مهم‌ترین مصادیق جنایت‌های علیه بشریت شامل برده‌داری، قتل عمد، شکنجه، تجاوز جنسی و بهره‌کشی جنسی از اسرا است. داعش به طور رسمی از برده‌داری حمایت می‌کند و مدعی است که بر اساس برخی تفاسیر قرآن، مسلمانان می‌توانند با زنان اسیر کافر هم‌خوابی کنند. اعتقادات آخرالزمانی این گروه نیز در تداوم این رفتار نقش داشته و آن‌ها برای توجیه اقدام خود به روایتی استناد می‌کنند که پیش‌بینی می‌کند برده‌داری قبل از وقوع آخرالزمان دوباره احیا خواهد شد.

گزارش‌های متعدد نشان می‌دهد که زنان و دختران، به‌ویژه پیروان مذهب ایزدی، مورد آزار جنسی، خرید و فروش و واگذاری به جنگجویان داعش قرار گرفته‌اند. این اقدامات به طور

سازمان یافته انجام شده و نشانه‌ای روشن از سیاست سیستماتیک این گروه در استفاده از جمعیت غیرنظامی به عنوان ابزار تحقق اهداف ایدئولوژیک و نظامی خود است.

۳-۴. تجاوز

جرم «تجاوز» در اساسنامه رم در زمره‌ی جرایم بین‌المللی اصلی قرار دارد که رسیدگی به آن در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی پیش‌بینی شده است. با این حال، تعریف این جرم بر مبنای «اقدام دولت» صورت‌بندی شده و از این‌رو، انتساب آن به بازیگران غیردولتی از جمله گروه‌هایی مانند داعش از نظر حقوقی امکان‌پذیر نیست (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷). در واقع، ماهیت جرم تجاوز^۱ به گونه‌ای است که تنها زمانی محقق می‌شود که یک دولت، با توسل به زور، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر را نقض کند و از آنجا که داعش فاقد شخصیت حقوقی دولتی و عناصر حاکمیتی بوده است، رفتارهای ارتكابی این گروه در چارچوب تعریف تجاوز نمی‌گنجد.

از سوی دیگر، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، اگرچه جنایت تجاوز را در کنار جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت نسل‌کشی در صلاحیت موضوعی خود قرار داده است، اما اعمال این صلاحیت مشروط به تصویب تعریف دقیق آن توسط مجمع دولت‌های عضو است. مطابق بند ۲ ماده ۵ اساسنامه، به دلیل اختلاف دیدگاه‌های گسترده میان دولت‌ها در جریان تدوین سند، تعریف روشنی از جرم تجاوز ارائه نشد و اعمال صلاحیت دیوان در این زمینه منوط به تصمیم‌گیری بعدی در خصوص تعیین حدود و ثغور آن گردید.

این وضعیت تا حد زیادی ناشی از ملاحظات سیاسی کشورهای دارای حق وتو در شورای امنیت بود؛ کشورهایی که مایل بودند موضوع «تجاوز ارضی» در حیطه صلاحیت شورای امنیت باقی بماند و از ورود دیوان کیفری بین‌المللی به این حوزه جلوگیری شود. در نتیجه، توافق حاصل‌شده آن بود که جرم تجاوز به عنوان یکی از جرایم بین‌المللی در اساسنامه ذکر شود، اما اعمال صلاحیت دیوان نسبت به آن تا زمان اصلاح اساسنامه و تصویب تعریف مشخصی که با اصول منشور ملل متحد هم‌خوانی داشته باشد، به تعویق افتد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷: ۳۶).

در کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری^۲ در شهر کامپامالا^۳ (پایتخت کشور اوگاندا) در سال ۲۰۱۰، جنایت تجاوز با الحاق ماده ۸ مکرر به اساسنامه دیوان، مورد تعریف قرار گرفت؛ اگرچه هم‌چنان دیوان تا ۷ سال بعد نیز از رسیدگی به جنایت تجاوز منع شده است؛ با این حال تحقق عنوان مجرمانه تجاوز در مورد داعش منتفی است، زیرا یکی از عناصر اصلی تعریف جنایت تجاوز

¹. *The crime of aggression*

². *Review Conference of the Rome Statute of the International Criminal Court*

³. *Kampala*

همان‌گونه که در ماده ۸ مکرر الحاقی به اساسنامه دیوان ذکر شده و همچنین به لحاظ عرفی نیز چنین است، جنایت تجاوز توسط یک کشور علیه کشور دیگر انجام می‌شود که با توجه به این که ماهیت حقوقی داعش، کشور محسوب نمی‌شود، انطباق عنوان مجرمانه تجاوز بر اعمال داعش به لحاظ موضوعی، منتفی است.

۴-۴. جنایت جنگی

در درگیری‌های غیربین‌المللی، ماده ۸ شامل اقداماتی است که نقض فاحش حقوق عرفی مانند حمله به غیرنظامیان و تخریب فرهنگ و میراث است. داعش با تخریب اماکن باستانی، مانند پالمیرا و مساجد شیعی و اعدام‌های ناشی از مبانی فرقه‌ای، این مصادیق را محقق کرده است (ساداتی، ۱۳۹۳؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷). در ماده ۸ اساسنامه در مورد جنایات جنگی بحث می‌شود و جنایاتی که در اساسنامه آمده است اکثر مربوط به آیین‌نامه‌ها یا کنوانسیون‌های ژنو است و به عرف‌های حاکم در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی نیز توجه شده است. جنایت جنگی ممکن است از سوی نظامیان علیه نظامیان دشمن یا غیر نظامیان (اعم از خودی یا دشمن) ارتکاب یابند. همین‌طور غیر نظامیان ممکن است این جرایم را علیه نظامیان دشمن یا غیر نظامیان دشمن مرتکب شوند.

این جنایات خود در تعریف اساسنامه‌ی دیوان به دو دسته‌ی منازعات مسلحانه‌ی بین‌المللی و منازعات مسلحانه‌ی داخلی تقسیم شده‌اند. در خصوص منازعات مسلحانه‌ی بین‌المللی؛ مواردی که منجر به نقض شدید کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو ۱۹۴۹ (حقوق بشر دوستانه) می‌شوند و نیز سایر مواردی که نقض جدی مقررات و عرف حاکم بر این قبیل منازعات محسوب می‌شوند را در بر می‌گیرد. همچنین در خصوص منازعات مسلحانه‌ی داخلی (غیر بین‌المللی). نقض جدی ماده ۳ مشترک بین کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو، یعنی کسانی که نقش فعالی در مخاصمات نداشته و یا به دلایلی چون بیماری، جراحت، حبس و نظایر آنها سلاح خود را بر زمین گذاشته‌اند، ارتکاب یابد، جرم جنگی دانسته است.

ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به بررسی مفهوم و مصادیق «جنایات جنگی»^۱ اختصاص یافته است. بر اساس بند نخست این ماده، دیوان صلاحیت رسیدگی به جنایات جنگی را دارد، به‌ویژه در مواردی که این اعمال در قالب یک طرح سازمان‌یافته، سیاست از پیش تعیین‌شده یا به‌صورت گسترده ارتکاب یافته باشند. در بند دوم این ماده نیز، مصادیق جنایات جنگی در قالب شش دسته به‌طور نسبتاً جامع تشریح شده است. با توجه به ماهیت درگیری‌های مرتبط با گروه داعش که می‌توان آن‌ها را در چارچوب «درگیری مسلحانه غیربین‌المللی» تحلیل کرد، به‌نظر می‌رسد

^۱. War Crimes

بخش‌های سوم و پنجم بند دوم ماده ۸ قابلیت انطباق با بخش قابل توجهی از رفتارها و اعمال ارتكابی این گروه را دارند.

قسمت سوم بند ۲ ماده ۸ مقرر می‌دارد که در شرایط بروز درگیری مسلحانه غیربین‌المللی، «نقض‌های فاحش ماده ۳ مشترک در چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو» شامل هرگونه اقدام علیه افرادی است که به‌طور فعال در مخاصمات شرکت ندارند؛ از جمله اعضای نیروهای مسلحی که سلاح خود را زمین گذاشته‌اند یا افرادی که به دلیل جراحت، اسارت یا دلایل دیگر قادر به ادامه جنگ نیستند. همچنین قسمت پنجم بند یادشده، سایر نقض‌های شدید قوانین و عرف‌های حاکم بر درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی را برمی‌شمارد. شایان ذکر است که بر اساس اصلاحات مصوب در کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان در سال ۲۰۱۰، استفاده از سلاح‌های شیمیایی و سمی نیز در فهرست مصادیق جرایم جنگی در این نوع درگیری‌ها قرار گرفته است (ساداتی، ۱۳۹۳: ۱۵).

بخش عمده‌ای از اقدامات خشونت‌آمیز و تروریستی داعش را می‌توان در قالب جنایات جنگی موضوع ماده ۸ مورد بررسی قرار داد. از جمله مصادیق مستند این جرایم می‌توان به ربایش ۱۵۰ دانش‌آموز دختر و پسر کرد که در مسیر عزیمت به حلب برای شرکت در امتحانات نهایی بودند، اشاره کرد. همچنین عناصر این گروه ۱۹۳ شهروند کرد در محدوده قیاسین در حومه شهر الباب را بازداشت و به عملیات جست‌وجوی خانه‌به‌خانه دست زدند. افزون بر این، کشتار ساکنان روستاهای ترکمن‌نشین در عراق، سنگسار دو زن ظرف کمتر از ۲۴ ساعت در ژوئیه ۲۰۱۴ و سوزاندن زنده یک خلبان اردنی از دیگر نمونه‌های مستند ارتكاب جنایات جنگی توسط این گروه به شمار می‌آیند.

داعش همچنین پس از اشغال شهر تاریخی موصل، دست به تخریب گسترده اماکن مذهبی زد؛ از جمله تخریب مساجد و اماکن مقدس شیعی، نابودی چهار آرامگاه مقدس متعلق به اهل سنت و صوفیان با استفاده از بولدوزر، و انفجار شش مسجد شیعی. این گروه در اوایل سال ۲۰۱۵ حدود دو هزار جلد کتاب را از کتابخانه مرکزی موصل خارج کرد و سپس کتابخانه دانشگاه این شهر را به آتش کشید. در همان سال، با تصرف شهر باستانی پالمیرا (تدمر)^۱ در سوریه، تخریب آثار تاریخی از جمله معبد باستانی «بعل شمین»^۲ آغاز شد.

از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، یکی دیگر از مصادیق بارز جنایات جنگی داعش، صدور و اجرای احکام کیفری بدون رعایت اصول دادرسی عادلانه و تضمین‌های قضایی شناخته‌شده است. این گروه در موارد متعددی بدون برگزاری دادگاه یا از طریق محاکماتی فاقد استانداردهای قانونی، احکام شدید و افراطی علیه مخالفان و اسیران صادر کرده است. نقش ابوجعفر حطاب، قاضی القضاات داعش، در صدور احکام تکفیری و محکوم‌کردن شمار زیادی از افراد به مرگ نمونه‌ای از این روند

1. Palmyra (Tadmor)

2. Temple of Baalshamin.

محسوب می‌شود. حتی ابوبکر بغدادی، رهبر داعش، نیز نسبت به افراط‌گرایی وی انتقاد داشت. خطاب در نهایت به‌دست خود اعضای داعش دستگیر و اعدام شد.

۵. نتیجه‌گیری

وقوع بیداری اسلامی یا بهار عربی با توجه به این که یکی از علل اهداف اصلی شکل‌گیری گروه داعش مقابله با نفوذ و قدرت ایران در منطقه با طرح مسائلی چون هلال شیعی و ... بود که متأسفانه به دلیل همراهی و حمایت برخی از کشورهای مسلمان منطقه از این اقدام، عملکرد این گروه طی مدت فعالیت در کشورهای عراق و سوریه موجب بروز اقدامات جنایتکارانه و تضعیف حکومت‌های این دو کشور و در نتیجه در سال گذشته سرنگونی حکومت بشار اسد گردید که این امر می‌تواند بر ژئوپولوتیک منطقه اثر گذار باشد.

گروه داعش آخرین نوع از تشکیل گروه‌های سلفی و رادیکال نخواهد بود و اگر فضا و شرایط بر وفق کشورهای استعمارگر و حکومت‌های محافظه کار منطقه نباشد باید شاهد بروز شکل‌های جدید آن در منطقه بود!!

در مجموع، پدیدار داعش را می‌توان حلقه‌ای از زنجیره‌ی تکفیر و خشونت فرقه‌ای دانست که با بهره‌گیری از شکاف‌های سیاسی و مذهبی عراق و سوریه، توانست در مدت کوتاهی دست به جنایت‌های گسترده بزند. تحلیل تطبیقی اعمال این گروه با اساسنامه رم نشان می‌دهد:

۱. نسل‌کشی: شواهد معناداری از قصد خاص علیه برخی گروه‌های دینی، به‌ویژه ایزدی‌ها، وجود دارد. سیاست برده‌داری جنسی و کشتارهای هدفمند، با ماده ۶ هم‌خوانی دارد.

۲. جنایت علیه بشریت: عنصر «گسترده‌گی و سازمان‌یافتگی حمله علیه جمعیت غیرنظامی» در اقدامات داعش به‌وضوح محقق است. کوچ اجباری، بردگی، شکنجه و قتل، مصادیق روشن این جرم‌اند.

۳. جنایت جنگی: بسیاری از افعال داعش از قبیل اعدام‌های صحرائی، تخریب میراث فرهنگی، و هدف قراردادن غیرنظامیان در مخاصمات غیربین‌المللی، ذیل ماده ۸ قابل انطباق است.

۴. جنایت تجاوز: به‌دلیل فقدان عنصر «اقدام از سوی یک دولت»، نسبت‌دادن این جرم به داعش موضوعاً منتفی است.

در سطح مفهومی، داعش نمونه‌ای بارز است از این که چگونه ایدئولوژی تکفیری می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب جنایات بین‌المللی شود. شواهد ارائه‌شده حاکی از آن است که این گروه در سه عنوان اصلی «نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی» مورد تعقیب قرار گیرد، اما «تجاوز»

در چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری مصداق ندارد. در نهایت، رفتار داعش نشان می‌دهد که ایدئولوژی تکفیر نه صرفاً یک دکترین فکری، بلکه ابزاری کارکردی برای توجیه و تسهیل ارتکاب جرایم بین‌المللی بوده است. این موضوع هم از منظر نظری در فهم نسبت دین و خشونت اهمیت دارد و هم از منظر حقوقی در تعقیب و محاکمه مرتکبان. در پایان، نگارنده تمایل دارد پیشنهادات خود را در چهار سطح و متناسب با مطالب این مقاله به شرح زیر ارائه نماید:

سطح بین‌المللی: تقویت سازوکارهای مستندسازی جرایم داعش و ارسال آن‌ها به دیوان کیفری بین‌المللی یا سازوکارهای ویژه و نیز، گسترش همکاری‌های بین‌المللی برای حمایت از قربانیان، به‌ویژه زنان و کودکان ایزدی.

سطح منطقه‌ای: ایجاد نهادهای حقیقت‌یاب مشترک میان دولت‌های عراق و سوریه با همکاری سازمان ملل برای ثبت و ضبط جرایم و تدوین سیاست‌های پیشگیرانه در برابر جریان‌های تکفیری و مسدود کردن منابع مالی و تبلیغاتی آن‌ها.

سطح ملی: بازنگری در قوانین کیفری داخلی عراق و سوریه برای شمول جرایم بین‌المللی و امکان تعقیب عاملان در دادگاه‌های داخلی و برنامه‌های بازپروری و بازاجتماعی‌سازی برای خانواده‌ها و کودکانی که تحت تأثیر ایدئولوژی داعش قرار گرفته‌اند.

سطح علمی و دانشگاهی: تعمیق پژوهش‌های بین‌رشته‌ای درباره پیوند میان ایدئولوژی تکفیری و جرایم بین‌المللی و آموزش حقوق بین‌الملل کیفری در جوامع منطقه به‌ویژه در سطوح دانشگاهی و قضایی برای ارتقای ظرفیت‌های بومی عدالت کیفری.

منابع

قرآن کریم.

- ابن منظور، م. (۱۴۱۴ ق.). لسان العرب. قاهره: دار المعارف.
- احمدی، ح. (۱۳۹۵). جنبش‌های اسلامی و خشونت در خاورمیانه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اسفراینی، ح. (۱۳۷۵). متکلمان اهل سنت و اعتقادات فرقه‌ای. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
- ایچی، م. (۱۴۱۷ ق.). اصحاب العدل و التوحید. کوفه: دار المعارف.
- پاکتچی، ف. (۱۳۷۳). سلفیه و رادیکالیسم اسلامی. تهران: نشر مرکز.
- خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۷۰). سخنرانی‌ها و دیدگاه‌های سیاسی. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.
- زبیدی، ج. (بی‌تا). المحرر فی اللغة العربیه. بغداد: دارالمعارف.
- ساداتی، م. (۱۳۹۳). حقوق بین‌الملل کیفری و دیوان بین‌المللی. تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبائی.
- سبحانی، م. (۱۳۸۵). اصول فقه اسلامی. قم: نشر معارف.
- شهرستانی، ا. (۱۴۰۴ ق.). تاریخ فرقه‌های اسلامی. تهران: نشر دانشگاهی.
- شوکانی، م. (۱۴۳۱ ق.). الفتح الربانی شرح کتاب المقاصد. ریاض: دار المکتبه الاسلامیه.
- صالحی، ع. و همکاران. (۱۳۹۰). حقوق بین‌الملل کیفری: جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی. تهران: نشر میزان.
- طباطبایی، م. و افرخته، ر. (۱۳۹۰). از القاعده تا داعش: تاریخ تروریسم نوین در خاورمیانه. تهران: انتشارات علم و فرهنگ.
- میرمحمدصادقی، ر. (۱۳۸۷). حقوق کیفری بین‌المللی. تهران: نشر میزان.
- نصری، ح. (۱۳۹۳). داعش و نظریه جهاد سلفی. تهران: انتشارات معاصر.
- یزدی، ع. (۱۳۸۷). کفریات و تکفیر در فقه اهل سنت. قم: انتشارات اسلامی.

Amnesty International. (2020). *Iraq: Legacy of Terror: The Plight of Yezidi Child Survivors of ISIS*. از بازبایی

<https://www.amnesty.org/en/documents/mde14/2759/2020/en/>

Human Rights Watch. (2014). *Iraq: Forced Marriage, Conversion for Yezidis*.

بازبایی از <https://www.hrw.org/news/2014/10/11/iraq-forced-marriage-conversion-yezidis>

Human Rights Watch. (2016). *Iraq: Protect Mass Graves, Evidence of Possible ISIS Genocide Endangered*. از بازبایی

<https://www.hrw.org/news/2016/01/30/iraq-protect-mass-graves>

International Criminal Court (ICC). (2016). *Statement of the Prosecutor of the ICC on alleged crimes committed by ISIS*. از بازبایی

<https://www.icc-cpi.int/news/statement-prosecutor-international-criminal-court-fatou-bensouda-alleged-crimes-committed-isis>

Schaack, Beth Van & Ronald C. Slye (2012), *International Criminal Law and Its Enforcement*, Foundation Press

U.S. Department of State. (2021). 2021 Country Reports on Human Rights Practices: Iraq. بازپایی از: <https://www.state.gov/reports/2021-country-reports-on-human-rights-practices/iraq>

United Nations Human Rights Council. (2016). "They Came to Destroy": ISIS Crimes Against the Yazidis. بازپایی از: <https://giwps.georgetown.edu/resource/they-came-to-destroy-isis-crimes-against-the-yazidis/>

Waltman, Geral, Prosecuting Isis(2014), at: www.gen.lib.rus.eclibgen.org/scimag



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Research Article

***The Emergence of the Islamic State and the Issue of Crimes
Against Humanity: An Analytical Perspective on International Law,
Politics, and Security***

Hadi Sadeghi Aaval¹ And Karim Zahedian Nejad²

Date of received: 2025/03/10

Date of Accept: 2025/05/10

Abstract

The expansion of Islamism in the Middle East and the rise of radical movements employing violence have transformed the region's security and legal landscape. Among these movements, the Islamic State (ISIS) stands out as a prominent example of "sectarian violence," relying on a takfiri ideology to carry out actions ranging from mass killings and targeted purges to sexual enslavement and the destruction of cultural heritage. This article adopts a descriptive-analytical approach based on library research. First, it examines the intellectual and ideological foundations of takfir and the emergence of ISIS in Iraq and Syria. Then, relying on the Rome Statute of the International Criminal Court, it assesses the group's actions under three legal categories: "genocide" (Article 6), "crimes against humanity" (Article 7), and "war crimes" (Article 8). The study demonstrates that there is significant evidence indicating specific intent toward certain religious-ethnic groups, particularly the Yazidis; that the "widespread and systematic" requirement for crimes against humanity can be established; and that numerous examples of Article 8 offenses have occurred in the context of non-international armed conflicts. However, due to ISIS's non-state character, the applicability of the "crime of aggression" (Article 8 bis) is excluded. The findings highlight the relationship between takfiri ideology and sectarian violence, while emphasizing evidentiary

¹. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran. Email: hadi.sadeghi.aval@gmail.com

². M.A. Student, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran. Email: karim.zahedianezhad@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

challenges, including proving specific intent in cases of genocide, as well as implications for regional criminal policy and transitional justice.

Keywords: ISIS, sectarian violence, genocide, crimes against humanity, war crimes, Iraq, Syria.

Citation (APA 7th ed. / APSA)

Sadeghi Avval, Hadi; Zahedian Nejad, Karim (Fall 2025). "The Emergence of the Islamic State and the Issue of Crimes Against Humanity: An Analytical Perspective on International Law, Politics, and Security". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 8, Num. 3, S.No. 31, pp. 47- 68.

References

- The Holy Qur'an*. (n.d.).
- Ahmadi, H. (2016). *Islamic movements and violence in the Middle East*. Tehran: University of Tehran Press. (in Persian)
- Amnesty International. (2020). *Iraq: Legacy of terror: The plight of Yezidi child survivors of ISIS*. Retrieved from <https://www.amnesty.org/en/documents/mde14/2759/2020/en/>
- Esfarayeni, H. (1996). *Sunni theologians and sectarian beliefs*. Tehran: Research Institute for Humanities. (in Persian)
- Ibn Manzur, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab*. Cairo: Dar al-Ma'arif.
- Iji, M. (1417 AH). *The companions of justice and monotheism*. Kufa: Dar al-Ma'arif.
- Khamenei, S. A. (1991). *Speeches and political views*. Tehran: Office for Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works. (in Persian)
- Paketchi, F. (1994). *Salafism and Islamic radicalism*. Tehran: Nashr Markaz.
- Mirmohammadsadeghi, R. (2008). *International criminal law*. Tehran: Nashr-e Mizan. (in Persian)
- Nasri, H. (2014). *ISIS and the theory of Salafi jihad*. Tehran: Moaser Publications. (in Persian)
- Sadati, M. (2014). *International criminal law*. Tehran: Allameh Tabataba'i University Press. (in Persian)
- Schaack, B. V., & Slye, R. C. (2012). *International criminal law and its enforcement*. Foundation Press.
- Shahrastani, A. (1424 AH). *History of Islamic sects*. Tehran: Daneshgahi Publishing. (in Persian)

- Shawkani, M. (1431 AH). *Al-Fath al-Rabbani: Commentary on Al-Maqasid*. Riyadh: Dar al-Maktabah al-Islamiyya. (in Persian)
- Sobhani, M. (2006). *Principles of Islamic jurisprudence*. Qom: Nashr-e Ma'aref. (in Persian)
- Salehi, A., et al. (2011). *International criminal law: Crimes against humanity and genocide*. Tehran: Nashr-e Mizan. (in Persian)
- Tabataba'i, M., & Afrakzhe, R. (2011). *From Al-Qaeda to ISIS: The history of modern terrorism in the Middle East*. Tehran: Elm va Farhang Publications. (in Persian)
- U.S. Department of State. (2021). *2021 country reports on human rights practices: Iraq*. Retrieved from <https://www.state.gov/reports/2021-country-reports-on-human-rights-practices/iraq>
- United Nations Human Rights Council. (2016). *They came to destroy: ISIS crimes against the Yazidis*. Retrieved from <https://giwps.georgetown.edu/resource/they-came-to-destroy-isis-crimes-against-the-yezidis/>
- Waltman, G. (2014). *Prosecuting ISIS*. Retrieved from www.gen.lib.rus.eclibgen.org/scimag
- Yazdi, A. (2008). *Kufriyyat and takfir in Sunni jurisprudence*. Qom: Islamieh Publications. (in Persian)
- Zabidi, J. (n.d.). *Al-Muharrar fi al-Lugha al-'Arabiyya*. Baghdad: Dar al-Ma'arif. (in Persian)

